■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۲۶ ■ چهار شنبه ■ ۱۸ خرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
آنچه دنیا از آخرت گرفته است، جز به اندازه آبی که سوزنی فرو رفته در دریا به خود می‌گیرد، نیست.

المعجم الکبیر: ج ۲۰، ص ۳۰۸، ح ۷۳۳

تلاش همه ما رسیدن به جهانی بهتر است

بهروز شعیبی: چه در مقام کارگردان و چه در مقام بازیگر در هر فیلمی حضور داشته باشم، سعی می کنم در اکران‌های دانشجویی آن شرکت کنم. به نظرم اکران‌های دانشجویی اکران‌های مهمی است که متفکران و متخصصان این فیلم را می بینند و جهان‌بینی شکل می گیرد. همه ما در دانشگاه‌های مختلف، فارغ از اینکه چه درسی می خوانیم و در چه رشته‌ای تحصیل می کنیم، در حال پویایی برای رسیدن به جهان بهتر هستیم. افتخار می کنم در دانشگاهی حضور دارم که داریوش رضایی‌نژاد و داریوش رضایی‌نژادها در آن درس خوانده و می‌خوانند. ما در طول مسیر زندگی، مسیر دانشجویی و دانشگاهی و تدریس امثال این بزرگان را زیاد داریم. من نقش شهید رضایی‌نژاد را بازی کردم و سعی کردم برای باورپذیرتر شدن بخش‌هایی از زندگی او، به اسناد موجود رجوع کنم. همه ما تلاشمان رسیدن به جهان بهتر است و خود شهید داریوش رضایی‌نژاد هم همین‌طور فکر می کردند.

بخشی از صحبت‌های بازیگر فیلم «هناس» در اکران دانشجویی این فیلم در مشهد

گاهی می‌خندم
گاهی گریه می‌کنم
گریه اما بیشتر اتفاق می‌افتد
به هر حال آدم
یکی از لباس‌هایش را بیشتر دوست دارد.

شاعر فقید
الهام اسلامی

نـــگاره

مرضیه تاجیزادگان

جعل آثار هنری در جهان رو به افزایش است

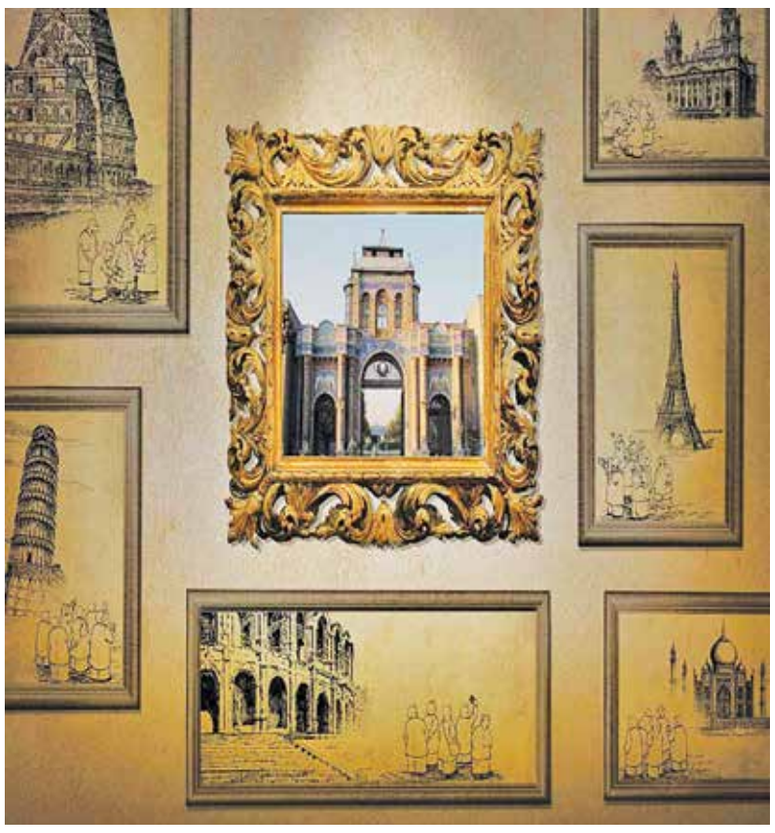

هنرمندان در فضای مجازی

دنیای مجازی اهالی فرهنگ و هنر همچنان به فعالیت‌های روز آنها اختصاص دارد که آن را با مخاطبان‌شان به اشتراک گذاشته‌اند

■ **چهره‌ها**

روح‌الله حجازی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس نام آشنای ایران، در صفحه شخصی‌اش عکسی از خود و بامداد افشار منتشرکرده و درباره این آهنگساز جوان و خوش آتیه ایرانی نوشته: «با بامداد افشار عزیز، از «روشن» تا «نوبت لیلی»؛ با اخلاق، حرفه‌ای و کاربلد. با آهنگسازان درجه یکی کار کردم که همگی از بهترین‌ها بودند و نتیجه کارشان درخشان. اما نتیجه کار بامداد را به جهت خلاقیت، بداعت، همراهی و تلاشش برای خلق فضایی منطبق بر اثر، دوست داشتم. این تصویر مربوط به تابستان ۱۴۰۰، پشت صحنه سریال نوبت لیلی، در حوالی چالوس است. پشت صحنه سکانس‌های مربوط به کولی‌ها که گروه بی‌نظیر بامداد قطعاتی زنده را در این فضا اجرا کردند...»

پریناز ایزدیار بازیگر سینمای ایران، ویدئویی از بخش‌های سریال نمایش خانگی «جیران» منتشر کرده که درآن به ایفای نقش می‌پردازد و در شرح این کار نوشته: «از اون حریر سرخ تا این زمهریر سرد، هر چی که گذشت؛ گذشت. امروز روز سپر انداختن نیست. من نه گلینم نه ملک‌زاده. نه دیگه حتی خدیجه دختر محمدعلی! از امروز من جیرانم. جیران‌خاتون.»

نگار جواهریان به نمایش «مخاطب» به کارگردانی جابر رمضان اشاره کرده که از شب گذشته در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته است و در این باره نوشته: «اگه امید نباشه دیگه چی می‌مونه؟!» ما از امشب دوباره روی صحنه رفتیم و تا آخر ماه هم اجرا داریم» بازیگران این کار لیلی رشیدی، نگار جواهریان ، علی باقری و جابررمضان هستند.

محسن شریفیان ازاجرای گروه موسیقی «دریا دلان» به سرپرستی یحیی حمیدی، خبر داده که برای تاریخ ۱۹ خردادماه هم تمدید شد. این گروه موسیقی قرار است اجراهای محلی و خیام خوانی بوشهری را در خانه دوست اجرا کنند. شریفیان همچنین به گروه موسیقی لیان اشاره کرده و در این باره نوشته: «گروه لیان در بوشهر به خوانندگی آکا صفوی و حضور گرم بچه‌ها در حال تمرین است و صرفاً به اجراهای فیوژن خواهد پرداخت.

■ **دیگه چه خبر!**

احترام برومند با انتشار عکسی از دوران کودکی خود و خواهرش مرضیه برومند از تولد او که ۱۷ خردادماه است نوشته: «ابتدا به وجه خواهر بودنش فکر کنم؟ و یا یکی از بهترین کارگردان‌های کشورمان؟ کسی که خاطرات زیبایی از آرایشگاه زیبا، مدرسه موش‌ها، شهر موش‌ها، خونه مادر بزرگه، قصه‌های تابه‌تا، کتابفروشی هدهد، کارآگاه شمسی و مادام و بسیاری دیگر فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی برایمان باقی گذاشته؟ امشب و در این زادروز تولدش این عکس را انتخاب کردم، چون بیش از هر تصویری من را به یاد مادرم انداخت... مرضیه جان، این روزها، کار جدیدت مجتمع کلیله و دمنه را می‌بینم و لذت می‌برم و همچنان به تو افتخار می‌کنم که هنوز با انرژی کار می‌کنی. مرضیه جان تولدت مبارک»

فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» ساخته بهروز شعیبی و به تهیه‌کنندگی محمود بابایی قرار است از چهارشنبه ۱۸ خردادماه اکران شود خبری که مصطفی زمانی بازیگر این فیلم در صفحه شخصی‌اش نوشته است.

■ **در دنیای ادبیات**

خانه کتاب و ادبیات ایران از فراخوان چهلمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران خبر داده و شرایط شرکت دراین جایزه را در صفحه مجازی خود مطرح کرده است.

مهشید میرمعزی مترجم ایرانی از چاپ بیست و یکم کتاب «و نیچه گریه کرد» از نشرنی خبر داده که ترجمه آن را برعهده داشته و با انتشار تصویری از جلد این کتاب در شرح آن نوشته: «امیدواری؟ امیدواری بدترین بدهاست! من در کتابم، انسانی، زیادی انسانی چنین ادعایی کرده‌ام ... امیدواری بدترینِ بدهاست، زیرا رنجِ انسان‌ها را تمدید می‌کند.

چهل روز از وداع با محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده و پژوهشگر گذشت

پاسدار امین فرهنگ ملی

یاد

کاظم موسوی بجنوردی
رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

درگذشت محمدعلی اسلامی‌ندوشن (۳شهریور ۱۳۰۳ - ۱۵اردیبهشت ۱۴۰۱) برای همه اصحاب دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ضایعه‌ای تأثربرانگیز بوده است. ایشان به عنوان یکی از پاسداران امین فرهنگ ملی و اشاعه‌دهنده حکمت ایرانی محسوب می‌شود. او چنان برای فرهنگ ایرانی تلاش می‌کرد که گویی عاشق فرهنگ و هویت ملی ایرانیان است و از این‌رو درگذشت او ما را بدین اندیشه می‌اندازد که باید از اندیشمندان عامل در فرهنگ ملی چنان بیاموزیم و چنان بهره ببریم که با فقدان‌شان میدان را برای ادامه تحقیق در عرصه‌های ایران‌پژوهی خالی نکنیم و قادر باشیم به این وظیفه ملی به‌درستی ادامه دهیم. به روان پاک اسلامی‌ندوشن درود می‌فرستم و به یقین در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از آنچه او آفریده است بهره خواهیم برد و نامش را زنده نگه خواهیم داشت.

■ **ناردانه‌ها**

حسین مسرت
کتاب‌شناس و پژوهشگر

«ناردانه‌ها» گزیده‌ای از رباعی‌های زیبا و نغز فارسی است که دکتر اسلامی‌ندوشن با نظر کارشناسی و هنرمندانه خود برگزیده است. اسلامی‌ندوشن خود در آغاز، چهارپاره می‌سرود و دو کتاب به نام‌های «گناه» و «چشمه» را در دهه ۱۳۳۰ش چاپ کرد. وی در سالیان اخیر رو به سرودن رباعی این زیباترین قالب شعر فارسی آورده و اندیشه‌های انسانی، عرفانی و ملی خود را در ۷۴رباعی شورانگیز و جاودانی در کتاب «بهار در پاییز» به سال ۱۳۸۴چاپ کرد. دکتر اسلامی‌ندوشن در این گزیده‌نامه، چهارگانه‌هایی (رباعی‌ها) را که برگزیده، توضیحاتی را هم درباره آنها به خوانندگان داده است. به‌درستی کسی نمی‌تواند برآورد کند و یا شاید سخت باشد برشمرد که طی این هزارسال، چه تعداد رباعی در زبان فارسی سروده شده است، اما چنین می‌نماید که این نوع شعر، بیشترین طبع‌آزمایی شاعران را به خود جلب کرده و علت آن این است که به غیر از تک‌بیت‌های ماندگار، کوتاهترین نوع سخن موزون است، گرچه نمی‌توان گفت آسان‌ترین، زیرا هنر ویژه‌ای می‌طلبیده که اندیشه‌ای ظریف و بس متعالی را در قالبی کوتاه بگنجاند. در «ناردانه‌ها» رباعی‌هایی از خیام، مولوی، عطار نیشابوری، ابوسعید و دیگر سخن‌وران نام‌آشنا و رباعی‌گو آمده است.

■ **مفسر تحلیلگر شاهنامه**

سجاد آیدنلو
مدرس دانشگاه

درباره دکتر اسلامی‌ندوشن از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان بحث کرد و البته هم در زمان زندگانی ایشان و هم پس از درگذشت، شخصیت‌های بسیاری دراین‌باره سخن‌ها گفته‌اند و خواهند گفت. بنده به مناسبت زمینه علایق و مطالعات خود که شاهنامه و ادب حماسی ایران است، طبعاً از این منظر به شخصیت علمی ایشان اشاره کوتاهی خواهم کرد. نکته مهمی که درکارنامه شاهنامه‌پژوهی دکتر اسلامی‌ندوشن باید با برجستگی بدان اشاره شود این است که ایشان یکی از نخستین و بهترین صاحب‌نظران و صاحب‌قلمانی به شمار می‌رود که درباره داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه، مقالات و کتاب‌های توصیفی- تحلیلی به زبان فارسی نوشته است. توضیح این مطلب بدین‌صورت خواهد بود که وجه غالب کارهای مربوط به فردوسی و شاهنامه، هم در داخل و هم خارج ایران جنبه پژوهشی دارد، اما شخصیت‌های بسیار معدودی هستند که مانند مرحوم دکتر اسلامی‌ندوشن دریافت اجتهادی و تحلیل‌های شخصی خودشان را از داستان‌ها و اشخاص شاهنامه عرضه کرده باشند و این جنبه از کار ایشان به نظر بنده بسیار مهم است که در دو کتاب شاخص «داستان داستان‌ها» و «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه» دیده می‌شود. بنده معتقدم اگر دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان جوان در حوزه شاهنامه‌پژوهی به این ویژگی کارهای ایشان بخصوص با آن نثر شکوهمند، استوار و روان توجه کنند و بتوانند بر همان الگو نوشته‌هایی را در حوزه تحلیلی- توصیفی از شاهنامه عرضه کنند، موفقیت بسیار بزرگی خواهد بود.

کتاب پاسخ های نو

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

اول اینکه وقتی اسم قصه در میان باشد حتماً خوشحال می‌شوم و البته اگر داستان‌های کهن باشد بیشتر خوشحال می‌شوم. بحث قصه‌هایی که الان مدنظرم است داستان‌های کتاب پیدایش است. کتابی منتشر کرده نشر نی با نام «خاندان ابراهیم(ع)» که گزینش و ویرایش آن را هرشل شنکس انجام داده و سید روح‌الله شفیعی هم ترجمه کرده است.

داستان‌های پیامبران را به روایت‌های مختلف خوانده‌ایم و همیشه بیشترین چیزی که به ما منتقل شده پند و اندرزهایی است که این داستان‌ها دارند. اما نویسندگان این کتاب از راه‌های دیگری وارد این داستان‌های شگفت‌انگیز شده‌اند و از ابراهیم(ع) آغاز می‌کنند و وعده‌های یهوه را به او مبنی بر ادامه پیدا کردن نسل او و گسترش آن پی‌گیری کرده‌اند. در جای جای کتاب همه نویسندگان تلاش کرده‌اند از زاویه‌های مختلف به داستان‌های مختلف نگاه کنند و دیدگاهی تازه از دل این داستان‌ها بیرون بیاورند تا جایی که ممکن است از یک داستان چندین و چند برداشت به دست داده شود که همین نکته کتاب را جذاب و خواندنی می‌کند.

برای منی که قصه دوست دارم توجه کردن به نکات ظریفی که داستان‌ها دارند هم جذابیت خودش را دارد. نکاتی که ممکن است به دید هریک از ما نرسد و باید سال‌ها روی این داستان‌ها کار کرده باشی تا بتوانی به آنها دست پیدا کنی. دیدی متفاوت از داستان‌هایی که برای همه ما در تمامی ادیان ابراهیمی آشناست و همه‌مان خاطره جمعی مشترکی از آنها داریم. اما اینکه چطور ابراهیم و یهوه با یکدیگر داستان پیدایش را آغاز می‌کنند و چطور ایمان ابراهیم سنجیده می‌شود و چه وعده‌هایی در این میان داده می‌شود و سرانجام چه می‌شود، عجیب‌ترین روایت‌هاست. ابراهیم و اسحاق و اسماعیل و یعقوب و... داستان‌هایی خواندنی دارند که این کتاب به تحلیل رفتار و اعمال این شخصیت‌های دینی پرداخته است. برخورد آنها با مردمان‌شان، با خانواده و با خدای‌شان، با فرزندان و نسل‌های بعد شنیدنی است که معمولاً از نگاه یک خواننده عادی دور می‌ماند. این کتاب در ۵ بخش و ۱۶ مقاله تنظیم شده است.

در بخش ابتدایی به داستان ابراهیم و اسحاق پرداخته، بخش دوم با سارا و هاجر همراه شده، بخش سوم اسحاق و ابراهیم را در کنار یکدیگر گذاشته، بخش چهارم یعقوب و عیسو را تشریح کرده و در بخش پایانی هم به راحیل و لیه می‌پردازد. نکته قابل توجه کتاب مقایسه‌ای است که بین این شخصیت‌ها صورت می‌گیرد و تضادهای شخصیتی هر یک را با هم مقایسه می‌کند.

وقتی چیزی در مقام مقایسه قرار می‌گیرد خواه ناخواه کنجکاوی را بیشتر می‌کند. اینکه هر شخصیت چه ویژگی‌ای دارد و چطور در زندگی عمل می‌کند و با چه اهدافی و چه وسیله‌هایی به سوی مقصد نهایی حرکت می‌کند می‌تواند شما را شگفت‌زده کند.

یکی دو نکته مختصر درباره «زاهو» نوشته یوسف علیخانی

به آسمان رفتن با اسب بالدار

پیشنهاد

جمال کاظمی
روزنامه‌نگار

آخرین داستانی که از یوسف علیخانی به جهان داستان ایرانی پیشکش شده «زاهو» است؛ رمانی درخشان و دل‌انگیز در ۶۷۰ صفحه که چاپ اولش اواخر سال ۱۴۰۰ درآمد اما به یک ماه نکشیده چاپ دومش روانه بازار شد و تا امروز که نزدیک چهار ماه از تولدش می‌گذرد لابد پا به چاپ سوم یا حتی چهارم گذاشته باشد. علیخانی به گواهی داستان‌هایی که نوشته دلربوده دنیایی خاص است؛ دنیایی ورز آمده از خمیر واقعیت و خیال. او شهروند یک جهان – خاتونِ اثیری است که یک گیله از زلفش به واقعیت گره خورده و گیله دیگرش به خیال. «سه گانه» (قدم بخیر مادر بزرگ من بود/ اژدهاکشان/ عروس بید)، «بیوه کشی»، «خاما» و این آخری «زاهو» در همین جهان جادویی، شهرهایی آباد هستند. جالب اینکه این دنیا با همه شهرهایش درواقع نقشه فرهنگی یک روستای واقعی هستند که نویسنده از آن موقعیتی شبه‌اسطوره‌ای می‌سازد: میلک. زادگاه علیخانی در قلب کوهستان اسرارآمیز الموت، انگار پایتخت آن دنیای خیالین است؛ نقطه‌ای ارشمیدسی که برای نویسنده، حکم اقلیم هشتم را دارد و یوسف علیخانی، جهان را از روی بلندی‌های آن تماشا می‌کند. شاید تا مدت‌ها او تنها تماشاگر این منظره بود. اکنون اما مخاطبان داستان معاصر ایرانی، برای شهروندی در این دنیای غریب و سیاحت در پایتخت اساطیری آن بی‌تاب شده‌اند و تجربه نگریستن به جهان از همان بلندی را طلب می‌کنند.

«زاهو» سرشتی شاعرانه و خیالین دارد و وقتی عناصر زبان بومی در آن می‌آید رمزگونگی و رازآمیزی آن دوچندان می‌شود. علیخانی داستان را از زبان اول شخص و از قول کسی که نوجوانی «چیزدان» است روایت می‌کند اما خطاست اگر قهرمان داستان را همین جوانک فرض کنیم. نویسنده از هرچیزی که در داستان می‌یابد یک قهرمان می‌سازد. اسبی که نامش ناهید است در «زاهو» تشخص می‌یابد و به یک موجود تعیین‌کننده انسانی تبدیل می‌شود. آب و چشمه، درخت و مزرعه، سفر و کوچ و... همگی در منطق پنهان رمان جان می‌گیرند و به شخصیت‌های اثرگذار مبدل می‌شوند. احتمالاً برای نویسنده، روایت و چشم‌انداز بیش از رخداد و خط داستانی اثر اهمیت داشته است چراکه مثل یک ساعت‌ساز هوشیار و وسواسی، هوای زبان را دارد. «زاهو» به اعتبار توجه هوشمندانه‌اش به عناصر زبان بومی، دائرةالمعارفی از اصطلاحات و تعابیر مهجور اما بی‌نهایت زیبا و رسا و گیرا است. به این تعابیر نگاه کنید: «هراسیمه» (ترکیب درخشانی از هراس و آسیمه سری) «گپا گفت»، «گوماگور» (ترکیب خلاقی از گم شدن و گم و گورشدن) «خنده خشم»، «پاترس پاترس». این تعابیر زیبا برساخته علیخانی نیست بلکه او کاشف آنها در ادبیات عامه مردم محلی است. از این جنس کشفیات در ساحت ضرب‌المثل‌ها هم فراوان است.

ادبیات بوم-پایه همواره در معرض آسیب تفاخرهای ایدئولوژیک و خروج از دایره ادبیات و هنر است. یوسف علیخانی اما در آثار داستانی و مشخصاً در «زاهو» بهوش است تا در رمانش، ادبیات از نفس نیفتد و پوست داستان رنگ آن آلودگی‌ها را نگیرد. کوهستان برای او جولانگاه خیال‌های کهن و آرزوها و حسرت‌های انسانی است. تعبیرات و جملات خیال‌انگیز او اگرچه سرشار از جلوه‌های شاعرانه است اما متن را از وجه داستانی‌اش نمی‌اندازد. به این تصویرسازی شاعرانه بنگرید: «شب کوهستان پر از صدای پرنده‌هایی است که قصه پرواز روزانه‌شان را برای هم تعریف می‌کنند.» یا این جمله که خطاب به ناهید (اسب اساطیری رمان) است: «ناهید مثل چراغ روشن بود توی گله اسب‌ها... پشت‌اش گرم بود، گرم‌تر از پهلوی ننه.» «زاهو» لبالب از این اشراق‌های شاعرانه است که بخوبی در منطق و زبان رمان جای گرفته‌اند، همان‌طور که نگین توی انگشتری جای می‌گیرد.

درس‌هایی از فضایل و کرامت‌های رضوی (۲)

کرامت؛ عامل برابری انسان‌ها

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

کرامت به مفهوم شأنی انسانی، همواره مورد اهتمام ادیان آسمانی بوده است. در همین راستا مکتب متعالی اسلام نیز کرامت را ذاتی انسان دانسته و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل است.

کرامت به معنای شرافت، بزرگی و والایی انسان، نقطه تلاقی بسیاری از نگره‌های معرفتی است که برخی از ابعاد آن در کلام و سیره امام رضا(ع) وضوح دارد. برجسته‌ترین ویژگی کرامت انسان در سیره امام رضا(ع)؛ صبغه توحیدی، سازگاری با فلسفه خلقت، همسویی با آموزه‌های اخلاقی، اعتدال و میانه‌روی، برخورداری از ضمانت اجرایی و جامع‌نگری آن است.

کرامت به عنوان برجسته‌ترین ویژگی انسان، معطوف به معنای اصلی آن، که بیانگر ارزشمندی و والایی ذاتی آدمی و برتری او نسبت به موجودات دیگر است، می‌باشد. در سیره امام رضا(ع) از زاویه‌ای خاص به این موضوع نگریسته شده و آنچنان مورد توجه قرار دارد که می‌توان فصلی از مطالعات حقوقی را بدان اختصاص داد. تعالی جوهره وجود انسان در پرتو این موهبت رضوی مورد اهتمام بوده ودمیده شدن نفخه الهی در روح آدمی را یادآوراست. موضوعی که ادیبان واندیشمندان را واداشته تا به مضمون کرامت انسانی در سیره آن حضرت(ع) توجه نشان دهند.

در بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی با الهام از موقعیت و اهمیت این مهم، در سیره بزرگان دین کرامت انسانی انسان در کنارسایر اصول بنیادین مورد توجه و ذکر قرار گرفته است.

در این میان گفتار و سیره تابناک امام علی بن موسی الرضا(ع)- که به حق ترجمان قرآن کریم است، منبعی غنی و سرشار برای عینیت بخشیدن به کرامت انسانی بوده است.

کرامت درمعنای سماحت و بزرگ منشی، ارجمندی و بلندطبعی و سایر اوصاف ستودنی، دستیابی به نزاهت و پیراستگی از پستی و فرومایگی را در پی داشته و گوهر جان آدمی را از هر پستی به دور می‌دارد.

کلام وحی در آیه ۷۰سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً/ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

براساس این آیه کریمه که نگاه قرآن به انسان را می‌نمایاند و در آن سخن از آفرینش انسان و امتیاز او بر دیگر موجودات است، آشکارا بیان می‌شود که کرامت، موهبتی الهی برای انسان بوده و او را از دیگر موجودات متمایزمی سازد و مایه برتری او نسبت به دیگران است.

با دقت در سیره امام رضا(ع) روشن می‌شود که ریشه و بنیان کرامت انسان، مبتنی بر اعتقاد ژرف به توحید و ایمان به خداوند متعال و برابری ذاتی انسان‌ها است. همچنین درنگ در متون سیره بیانگر آن است که آدمی کرامت را از جانب آفریدگار خود دریافت نموده و به این دلیل شرافت ذاتی داشته و با سایر ابناء بشر برابر است و تنها مایه برتری میان انسان‌ها و عامل برتری معنوی، تقوا و پایبندی به لوازم آن است. بنابراین هیچ انسانی از آن نظر که انسان است، بر شخص دیگر ترجیح ندارد و برتر از او نیست و سرانجام اینکه تقوا، تنها ملاک برتری یک فرد نسبت به دیگری است: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ:... گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (الحجرات/۱۳).

این چهارچوب اعتقادی تفاوت‌های ظاهری مانند تفاوت در نژاد، جغرافیا، زبان و موارد مشابه را نفی نموده است و آحاد جامعه انسانی را به هم پیوند می‌دهد.

در سیره امام رضا(ع) از قول اباصلت نقل است که: «.... با امام رضا(ع) در سفر به خراسان همراه بودم. روزی سفره‌ای طلبید و تمام خدمتکاران و غلامان را نزدش فراخواند. گفتم: فدایتان شوم، کاش برای اینان سفره‌ای جداگانه می‌انداختید! فرمود: دست بردار! خدای همه ما یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش نیز به اعمال است.» (کلینی، ج ۸: ۲۳۰)

عکس نوشت

ایرنا

برای خوردن غذای موردعلاقه‌تان حاضرید چه بهایی بپردازید؟ در دهه ۱۹۷۰ میلادی صاحبان یک رستوران خانوادگی در آنتاریوی کانادا که غذای خانگی خود را با کالا مبادله می‌کردند، روزی بدون اینکه بدانند، یک اثر هنری گرانقیمت و کمیاب از ماد لوییس، هنرمند کانادایی را در ازای چند ساندویچ پنیر کبابی صاحب شدند. این تابلو امروزه بیش از ۲۷۰هزار دلار قیمت دارد.